

مدرها  
و دیگران

نوشته: GILDAS BOURDAIS  
• قسمت دوازدهم

# COBRA

## فرا اکسپرسیونیسم

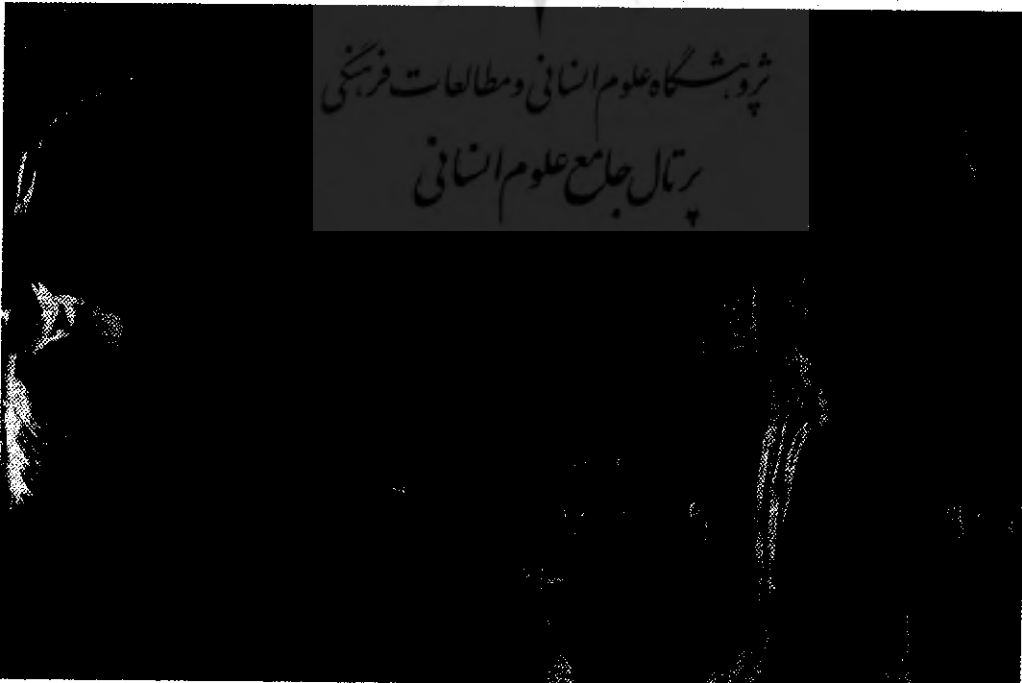
دیگری نیستند. و هنگامی که «دوکوینگ»، این نقاش بزرگ آمریکایی، عناصر فیکوراتیو را در نقاشی خود حلول می‌دهد، می‌توان حقیقتاً او را در جرگه هنرمندان این گرایش قرار داد. و در مجموعه «زنان» او که شخصیت‌هایی زجر کشیده از عمق عصاره آپستره سر بیرون می‌آورند، این ویژگی مشخصاً دیده می‌شود. بدین ترتیب میزان مشکلات نگارنده در راه کلاسه بندی هنرمندان در محدوده سبک‌هایی کاملاً مشخص وجود دارد، کاملاً روشن می‌شود.

به حق می‌توان ظهور فرم‌های گوناگون در قالب اکسپرسیونیسم، در حد فاصل میان فیکوراسیون و هنر آپستره و همسو با اکسپرسیونیسم آپستره را بزرگترین پدیده تاریخ هنر در سالهای بعد از جنگ دانست. در این نوشتار برای متمایز ساختن یکی از متعدد گرایش‌های این دوره از اصطلاح، «فرا اکسپرسیونیسم» استفاده خواهیم کرد. بزرگترین هنرمندان این گرایش بعضاً از نهضت کبری و برخی نیز مانند «فرانسیس بیکن» (F. Bacon) و «دووفه» وابسته به هیچ نهضت

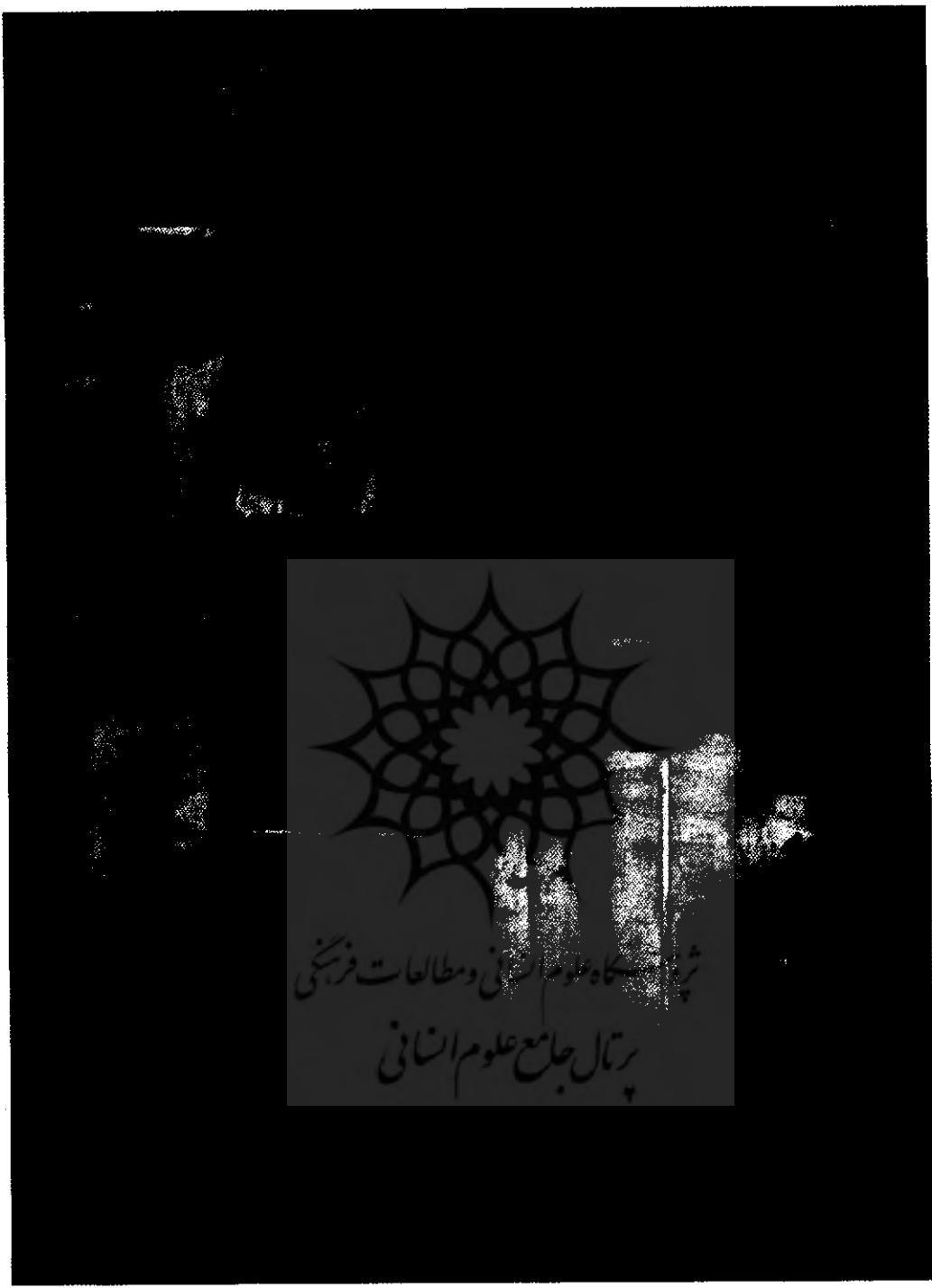
صد سال هنر مدرن در دنیا  
CENT ANS D'ART MODERNE  
DANS LE MONDE



• مبری میرزالو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

حضور انسجام یافته این نهضت در عرصه تاریخ هنر بسیار کوتاه می باشد ولی در تاریخ سبکهای دوره پس از جنگ نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. حقیقت این است که ریشه های اولیه این نهضت را باید در دانمارک با «آزگر جورن» (A.Jorn)، «پدرسن» (Pedersen) و «جکوبسن» (Jacobsen) و

■ نهضت «کبری» (COBRA)  
نهضتی که به نام «کبری» خوانده می شود از اجتماع هنرمندان متعدد از کشورهای «کینهاگ» (ک)، «بروکسل» (بر) و آمستردام (آ) و در سال ۱۹۴۸، در پاریس شکل گرفته و نام آن را از حروف اول کشورهای متبوع آنان گرفته شده است. اگرچه



خشونت، این فرم بی نهایت اکسپرسیونیست، با درام غم انگیز جنگ پیوندی عمیق دارد. ولی از آنجا که همین امر یعنی جنگ طی سالهای بیست دستمایه پیدایش هنر بسیار فیکوراتیو «ابزکتیویته نوین» آلمان نیز بوده است، شیوه بیانی آثار «کبری» در این زمان غیرمستقیم و بسیار آبستره به نظر می رسند، هرچند سبک فیکوراتیو دیگر چندان رایج نمی باشد. در اینجا ذکر چند نمونه از آثار فیکوراتیو با موضوع جنگ، که واقعاً مورد بی مهری قرار گرفته اند به نظر ضروری می رسد: اثری حیرت آوران «راندزیویل» که در آن ویرانه های پرم (Breme) در تابلویی موسوم



سپس در هلند با «کارل آپل» (K. Appel) و «کورنی» (Corneille) (که به «گروهی تجربی» تعلق دارد) جستجو کرد. و بالاخره این گروه از هنرمندان توسط شاعری بلژیکی به نام «کریستین نوترمون» در پاریس گردهم می آیند و سال بعد «آلشینسکی» نیز به این گروه می پیوندد. از دیگر اعضای این گروه به «گودنیسون» (Gudnason) ایسلندی نیز می توان اشاره کرد. بدین ترتیب «کبری» نهضتی است که ریشه در سرزمینهای شمالی داشته و به مفهومی که «وورینگر» نشان داده بود، با سبکی سنتی به نام اکسپرسیونیسم که در فصل اول کتاب مبسوط بدان پرداخته ایم تلفیق پیدا می کند. نهضت کبری انقلابی است برافروخته در برابر جنگ، و جامعه اشرافی (بورژوازی)؛ و این وجه مشترکی روشن میان «نهضت کبری» و «دادا» می باشد. عنوانی که «آلشینسکی» (Alchinsky) برای یکی از تابلوهای خود بر می گزیند، «درودبر اینسر» (۱۹۵۶)، گواهی بر این توالی اکسپرسیونیستی است.

«کبری» نهضتی اروپایی است و حقیقت شکل گیری این نهضت در فرانسه نباید پوششی برواقعیت دشمنی نهضت کبری با سلطه مدرسه پاریس بر عرصه هنر شود. بدین ترتیب این هنرمندان با انتشار مرامنامه خود اعلام می دارند که به هیچ وجه نه بر روی حمایت «آندره بروتون» و «آندره فوزرون»، و نه بر روی پشتیبانی «والدمر ژرژ» و «آبه مورل» (Abb Morel) حساب نمی کنند. در این امر هیچ تردیدی نیست که «اسرژ جورن» و «کارل آپل» نمایندگان اصلی این نهضت بوده؛ در یک کلام خشونت بیان در هنر را به اعلی مرتبه خود می رسانند بدیهی است که این

به (Die Klage Bremes) (۱۹۴۶) به تصویر کشیده شده‌اند. و قدمی از نقاشی‌های «کارل هوفر» (K.Hofer) مانند «Ruinennacht» این دو نقاش آلمانی کاملاً از دیگران مستثنی هستند. وحشت و خفقان در این دوره از تاریخ آلمان چنان شدید بوده است که سالها زمان لازم است تا هنرمندان جرات به تصویر کشیدن آن را، آن هم ابتدا به شیوه آستره، پیدا کنند. «هانس مک» (H.Mack) و «گانتز یوکر» (G.uecker) اولین کسانی هستند که افکار نگران کننده خود را ابتدا با خون سردی تمام در آثاری «تکنولوژیک» و سپس، سالها بعد با شوک‌پرسیونیسیم آستره سالهای هشتاد نشان می‌دهند. در سالهای پنجاه، «هورست آنتز» (H.Ant) تنها هنرمندی است که در سبکی نزدیک به سبک کبری کار می‌کند: هنرمندان دیگری نیز روی موضوع جنگ کار کرده‌اند، از جمله «هانری مور» (H.moore) که تصویرهای تاءثر انگیزی از ساکنین لندن ترسیم می‌کند که در زمان بمباران هوایی در متروها پناه گرفته‌اند و همچنین «پل ناش» (P.Nash) که در سال ۱۹۴۱ به عنوان نمونه تابلوی Totes meer را به تصویر می‌کشد. خشونت و وحشت جنگ از همه بیشتر در آثار «فرانسیس بیکن» تجلی پیدا می‌کند.

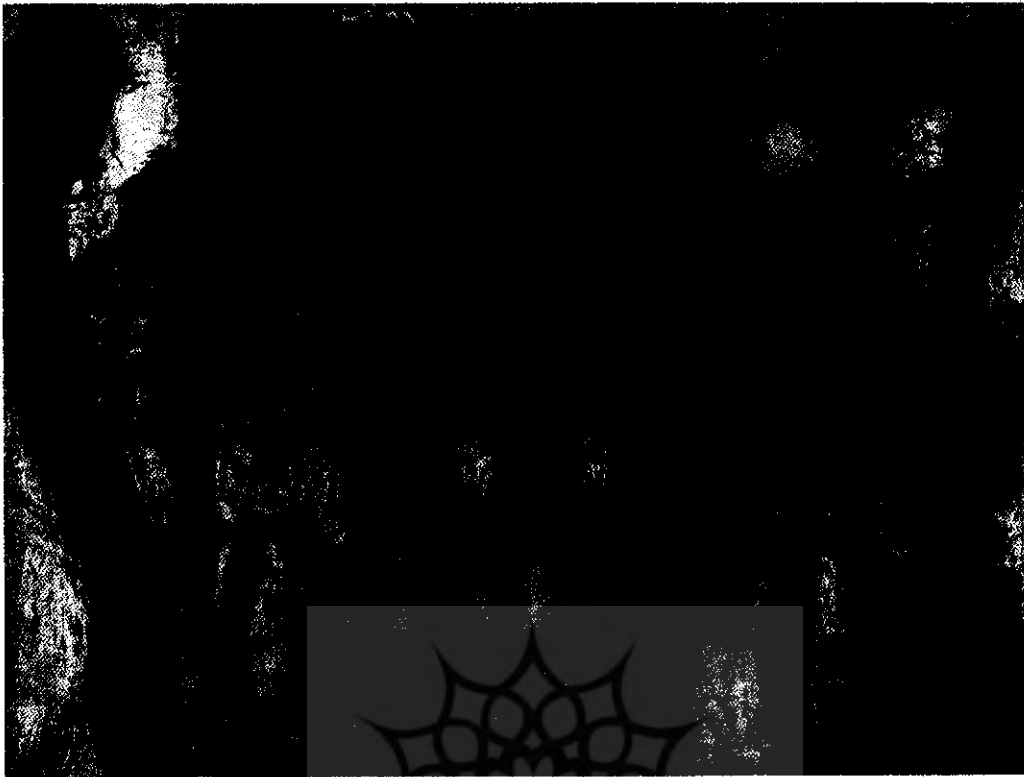
### ■ دیگر فیگوراسیونهای اکسپرسیونیست

حضور یک تابلوی سه پرده‌ای بسیار عجیب در نمایشگاه «فرانسیس بیکن» که در سال ۱۹۴۵ در لندن ترتیب یافت توجه همگان را به سوی خود جلب می‌کند: «سه اتود از انسانهایی که بر پای دار ایستاده‌اند». خشونت بی حصر در این تابلو یادآور چهره‌های زجر کشیده تابلوی «گرنیکا» بوده و به عقیده «هربرت رید» (H.Read) «سمبولهایی از دنیای متلاشی» می‌باشند. از زمان خلق این تابلو به بعد، باکون هیچ گاه از تکرار این دیدگاههای کابوس‌آمیز دست بر نمی‌دارد. در انگلستان آثار او مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند و در ابتدای کار تنها موفقیت محدودی به دست می‌آورند. از سال ۱۹۵۰ به بعد «بیکن» در خارج از مرزهای کشورش به ویژه در بی‌ینال ونیز در سال ۱۹۵۴ موفقیت چشمگیری به دست می‌آورد. آثار «ژان دوپوفه» از مشهورترین آثار دوران پس از جنگ در تمام دنیا است. به علاوه در آمریکا او را به عنوان یکی از نوادر هنرمندان نقاش فرانسوی می‌شناسند. او تنها هنرمندی معاصر است که در موزه ملی هنر مدرن و همچنین در «گالری تات» لندن کل یک سالن به او اختصاص یافته است. «بیکن» هنرمند بسیار محرومی است که با چهره‌های عبوس و بچه



گانه‌ای که برای انسانها ترسیم می‌نماید به موفقیتی خارق‌العاده دست می‌یابد. برگزاری اولین نمایشگاه او در سال ۱۹۴۴ انعکاس ناچیزی داشته و تشکیل نمایشگاه بعدی او نیز در سال بعد با عنوان «میرو بولوس، ماکدام و سی. بسیار پرمایه» رسوایی بیش نبود.

«دوپوفه» اولین هنرمندی است که در فرانسه نقاشی‌هایی را به نمایش می‌گذارد که از مواد نامتعارفی چون ماستیک، سنگریز، آسفالت، خاکه زغال، خرده شیشه ساخته شده و روی آنها را با یک تیغ، یک قاشق یا با انگشت طرح انداخته است. به‌علاوه در کارهای «دوپوفه» موفقیتهایی نیز در زمینه حجم‌آفرینی دیده می‌شود که بتدریج از سالهای پنجاه به این سو در قالب هنری بسیار شفاف و زلال شکل انسجام یافته خود را می‌یابد. به علاوه «دوپوفه»، در نمایشگاه دیگری که در سال ۱۹۴۷ به اتفاق تنی چند از دوستانش، «جان پولهان»، «هانری میشو» و «پل لئوتود» تشکیل داده و در آن پرتره‌های کاریکاتوری را به نمایش می‌گذارد رسوایی دیگری به بار می‌آید. در این فاصله «دوپوفه» هجوتنامه شدیدی‌الحنی علیه دنیای فرهنگی آن زمان منتشر می‌سازد که عنوان آن از این قرار است: «اعلانی برای تمامی آماتورها» (۱۹۴۶). در سال ۱۹۴۸ انجمن «هنر پالوده» را تأسیس



(Bettencourt)، «کریستو فورو» (Christoforou)، «لبنستن» (Lebenstein)، «ایورینگ پلتن» از آمریکا (I. Petlin)، «گریشابر» از آلمان (Grieshaber) و «اوکاموتو تارو» (Okamoto Taro) و «اون کاوارا» (On Kawara) نیز فرا اکسپرسیونیست می باشند. مجموعه «حمام»، «اون کاوارا» که از بیست و هشت تابلو تشکیل شده است و قطعه قطعه شدن بدن انسان را با خشونتی بهت آور به تصویر می کشد: و این بازتاب انفجار بمب اتمی بر هنر ژاپن بعد از جنگ می باشد!

علیرغم آنکه طی سالهای شصت و هفتاد این اکسپرسیونیسم خشونت آمیز سالهای بعد از جنگ رواج خود را از دست می دهد، اما اندیشه آن همچنان جاودانه مانده و در نئواکسپرسیونیسم سالهای هشتاد و در آثار هنرمندان آلمانی و ایتالیایی مجدداً تجلی پیدا می کند. به علاوه پدیده شگفت انگیز مهاجرت های دسته جمعی به کشورهای مختلف خود جای تحلیل و بررسی اجتماعی دارد. در ضمن می توان صدق و درستی این مسئله را در عصری که سبک آن تصنعی و عناصر آن برگرفته از سبکهای پیشین می باشند و «پست - مدرن» نام دارد، مورد بررسی قرار داد.

● ادامه دارد

کرده و به گرمی از آثار هنرمندان «در حاشیه» ساده دل و مجنون استقبال می کند. «گلاستون شپساک» (G. Chaissac) که به حرفه کناشی مشغول است، به حق مشهورترین هنرمند این انجمن می باشد. از نقطه نظر داشتن اندیشه ای اصیل، بدیع، حاشیه ای و غیروابسته، هنر «وولز» و «میشو» نیز تا اندازه ای به آثار او نزدیک هستند. و این بیان دیگری از درس اساسی است که از هنر «نویوفه» می توان گرفت و مهرتأییدی بر تعریفی است که او از هنر دارد: «پیوند میان انسان و هنر، نه با چشمان او که با اندیشه اوست». هنر خود یک زبان است: ابزاری برای شناخت و وسیله ای برای برقراری ارتباط است. «بیکن»، «نویوفه» و بسیاری دیگر از هنرمندان علاوه بر آنکه از اعضای نهضت کبری می باشند در شمار اعضای گرایش فرا اکسپرسیونیسم بعد از جنگ نیز به شمار می آیند. اغلب این هنرمندان مستقل بوده و نقاشی خشونت آمیز از چهره های کاریکاتوری، نگران کننده و تهدید آمیز ویژگی مشترک میان آنها می باشد. از دیگر هنرمندان این گرایش علاوه بر «سورا» و «هورس آنتز» که قبلاً به آنها اشاره کردیم، لیندستروم (Lindstrom) (بسیار نزدیک به کبری و دوست جورن)، «ماریان» (Maryan)، «انریکو بیچ» (E. Baj)، «اسوانبرگ» (Svanberg)، «بتن کورت»